

فهرست

سخن ناشر.....	۹
پیشگفتار.....	۱۱
بخش اول: بایسته‌ها و آسیب‌های اخلاقی مدیریت و کارمندی	
۱. بایسته‌های اخلاقی مدیریت و کارمندی	۱۸
۱. توجه به ارزش خدمتگزاری	۱۸
۲. اعتقاد به «ولی نعمت بودن مردم»	۲۰
۳. توفیق خدمتگزاری، نعمت الهی.....	۲۲
۴. مردم را از خودی دانستن و در خدمتگزاری به آنان شتاب کردن	۲۴
۵. مقام بالاتر، خدمتگزاری بیشتر.....	۲۶
۶. مقدم داشتن دیگران بر خود	۲۷
۷. خودسازی و خدمت به مردم	۲۸
۸. خوشرفتاری با مردم.....	۲۹
۹. بهترین موقعیت خدمتگزاری.....	۳۰
۲. توجه به نتایج خدمتگزاری	۳۲
۱. رضایت خدا.....	۳۲

۵۳	دیر حاضر شدن و زود رفتن
۵۴	۴. استفاده از بیت المال و اموال عمومی
۵۷	بودجه اختصاصی اداری
۵۸	ماشین اداره
۶۰	خانه سازمانی
۶۰	غذای اداره
۶۱	استفاده از آب و برق
۶۲	تلفن و امور دیگر
۶۴	انجام کار غیر موظف در وقت اداری
۶۷	اقامه نماز جماعت در اداره
۶۹	۵. هدایا، سفارشات
۷۱	گرفتن فوق العاده
۷۳	۶. اضافه کاری
۷۳	اضافه کار تشویقی
۷۴	اضافه کاری در وقت اداری
۷۵	۷. حق الناس
۷۶	۸. توصیه و سفارش
۷۶	تخلف از قوانین و مقررات
۷۸	تخلف از مقررات راهنمایی و رانندگی
۷۸	مشاهده تخلف از مافوق
۸۰	مأمور خرید
۸۲	خرید و فروش اجناس قاچاق

۳۳	۲. برخورداری از پشتیبانی و قدرت مردم
۳۴	۳. داشتن وجدان آرام
۳۵	برخی از مصادیق خدمتگزاری
۳۶	۳. آسیب‌های خدمتگزاری
۳۷	۱. عدم مطابقت گفتار با عملکرد
۳۷	۲. تک‌روی در مصلحت‌اندیشی
۳۹	۳. ناامید کردن مردم
۴۰	۴. خشنود شدن از ستایش دیگران
۴۱	۵. عدم تحمل و استعفا از خدمتگزاری
۴۲	۶. منت نهادن بر خدمت‌شوندگان
۴۴	تذکر: وظایف ارباب رجوع
۴۵	۱. شناخت مدیر خدمتگزار
۴۵	۲. قدردانی و تشویق
۴۶	۳. پشتیبانی کردن از او

بخش دوم: احکام مدیریت و کارمند

۴۸	۱. استخدام
۴۹	۲. کار، حقوق و امکانات
۴۹	حقوق گرفتن بدون کار کردن
۴۹	دریافت دو حقوق در یک ماه
۵۰	فوق العاده گرفتن در مرخصی
۵۱	۳. کم‌کاری و گرفتن حقوق اداری
۵۲	جبران کم‌کاری

۹. مالیات و عوارض.....	۸۴
۱۰. انفال و اموال عمومی.....	۸۶
منابع.....	۸۸

سخن ناشر

از نظر اسلام، همان‌گونه که دین راهنمای اندیشه، اخلاق و عبادت است، راهنمای تصمیمات و بایدها و نبایدها در قلمرو تولید، توزیع، مصرف، مدیریت و شیوه زندگی کردن و چگونگی زیستن نیز هست. رفتار روزمره فردی و اجتماعی افراد، صدها حکم واجب و مستحب و شرایط حقوقی و اخلاقی دارد که دانستن آن در سلامت روابط اجتماعی و تکامل اخلاقی و معنوی انسان‌ها اثر می‌گذارد. همچنین صدها حرام و مکروه دارد که انجام آن فضای زندگی جمعی و اسلامی را آلوده می‌سازد و ابهام آن دلهره و تردید می‌آفریند.

آشنایی با احکام ویژه هر تصمیم و رفتار فردی و اجتماعی، برای همه مکلفان که موظف به گزینش، اقدام و عمل هستند ضروری و برای اهل مطالعه دانش اجتماعی و دینی مفید است.

طرح پژوهشی «فقه و زندگی» که با سفارش «ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر» و نظارت علمی حجج اسلام محمد حسین

فلاح زاده و محمود مهدی پور شکل گرفته، پاسخی است به نیازهای بشر در عرصه‌های مختلف زندگی.

هدف از نگارش این مجموعه آن است که فقه را از تئوری به عمل نزدیک کند و آن را با مشاغل و رفتار روزانه افراد جامعه پیوند دهد؛ تا راه تأمین سعادت و تکامل معنوی را به مسلمانان و صاحبان خود بیاموزد. اکنون به خاطر انتشار نوشتار دیگری از این مجموعه، خدای بزرگ را شکر کرده و امیدواریم که برای ادامه راه، همچنان از حمایت‌های مالی ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر بهره‌مند گردیم. خواهشمند است هر گونه نقد و نظر تجربی و علمی خود را جهت تکمیل این مجموعه با ما در میان بگذارید.

والله ولی التوفیق

پژوهشکده امر به معروف

تلفن: ۰۲۵)۳۷۷۳۴۴۳۰

Info@Al-Adl.ir



رسول خدا ﷺ فرمودند:

مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ حَاجَةً كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَمَنْ خَدَمَ اللَّهَ عُمُرَهُ^۱

هر کسی حاجت برادر مؤمن خود را برآورده سازد، پاداش او همانند کسی است که در تمام عمرش خدا را خدمت کرده است.

دین مبین اسلام، که احکام و دستوراتش همان فرامین خدای متعال است، برای انسان تعریفی ارائه کرده است که با دیگر مکاتب متفاوت است. این تعریف نشأت گرفته از حقیقت انسان و روحيات اوست. تا کرامت انسان برای خودش روشن نشود و تا مسیر و راهنما و هدف او روشن نشود، جهالت، انسان را به وادی هلاکت می‌کشاند. پس باید دست به دامن مکتب متعالی اسلام شد و راه روشن را از آن گرفت، زیرا در این دین راه و هدف و الگو را کسی مشخص کرده که او خود انسان را با تمام صفاتش خلق نموده و او را در مسیری روشن قرار داده است.

۱. نهج الفصاحه، ج ۱، ص ۲۲۶.

بر اساس آموزه‌های دین اسلام، مدیر و کارمند، خدمتگزار کسی است که انسان‌ها را در رسیدن به هدف و شناخت الگو و مسیر هدایت، و در استفاده بهتر از نعمت‌های خدادادی، کمک کند. در رأس این مدیران، انبیاء و اولیای الهی هستند.

ارزش هر مدیری به‌خاطر خدماتی است که ارائه می‌دهد، نه به‌خاطر امکاناتی که استفاده می‌کند. به همین دلیل باید مورد بازخواست قرار بگیرد. به وصیت بنیانگذار جمهوری اسلامی در این زمینه توجه کنیم که با جدّیت تمام قوا را در این زمینه مسئول می‌داند:

«به مجلس و دولت و دست‌اندرکاران توصیه می‌کنم که قدر این ملّت را بدانند و در خدمتگزاری به آنان خصوصاً مستضعفان و محرومان و ستم‌دیدگان که نور چشمان ما و اولیای نعم ما هستند و جمهوری اسلامی ره‌آورد آنان و با فداکاری‌های آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است فروگذار نکنند... از گناهان بزرگ و نابخشودنی، مسامحه در امر مسلمین است. هر کس به مقدار توانش و حیطة نفوذش لازم است در خدمت اسلام و میهن باشد.»^۱

توصیه‌های مقام معظم رهبری به مدیران

«این مسئولیت و منصبی که در نظام اسلامی داریم، طعمه و سرمایه و کاسبی نیست، اشتباه نشود، مسئولیت در نظام اسلامی باری بر دوش انسان است که باید آن را به‌خاطر هدف و نیّتی تحمّل کند. در این راه از خیلی چیزها باید گذشت؛ نه فقط از شهوات حرام، بلکه از شهوات حلال نیز باید گذشت.

۱. وصیت‌نامه امام خمینی علیه‌السلام.

مسئول نظام اسلامی، مسئولی است که برای مردم و در راه خداست، برای هوی و منافع شخصی خود نیست.»^۱

پرهیز از اشرافی‌گری

«کمتر خرج کنیم، کمتر بذل و بخشش بیجا کنیم، کمتر به زندگی شخصی خودمان بپردازیم، مثل عروسی اشراف عروسی بگیریم، مثل خانه اشراف‌خانه درست کنیم، مثل حرکت اشراف در خیابان‌ها حرکت کنیم، اشراف مگر چگونه بودند، چون آنها فقط ریششان تراشیده بود، ولی ما ریشمان را گذاشته‌ایم؟!»^۲

مسئولین نظام اسلامی حق ندارند زندگیشان را با اعیان و اشراف و متمکّنان و با منحرفان اندازه‌گیری کنند. تغییر دکوراسیون اتاق مدیر کل و معاون وزیر و وزیر و فلان مسئول قضایی و فلان مسئول در بخش‌های گوناگون دیگر باشد، این جرم و خطاست. اگر ما دنبال مسائل خودمان رفتیم، به فکر زندگی شخصی خودمان افتادیم. دنبال تجملات و تشریفاتمان رفتیم، در خرج کردن بیت‌المال هیچ حدی برای خودمان قائل نشدیم، مگر حدّی که در دسر قضایی کند! هر چه توانستیم خرج کردیم، مگر اعتماد مردم باقی می‌ماند؟!»^۳

رعایت بیت‌المال

«هر کس که بیت‌المال مسلمین را ملک خود به حساب می‌آورد، یا به زبان بگوید و یا اگر نگوید در عمل اینطور وانمود کند که ما این قدرها حق داریم و با بیت‌المال مثل اموال خود رفتار کند، یا بخورد یا ببخشد یا

۱. دیدار با مدیران مجموعه انصار، مجله آشنا، شماره ۱۳۶، ۱۳۸۵، ص ۸-۹.

۲. همان. ۳. همان.

در راه اغراض شخصی از آن استفاده کند، نمی تواند دنباله روی علی علیه السلام به حساب بیاید. ما مسئولان وظیفه و تکلیف داریم که خودمان را با رفتار امیرالمؤمنین علیه السلام تطبیق دهیم و جهت حرکت خودمان را با او بسنجیم، آحاد مردم هم همین تکلیف را دارند. کسی که امکانات شخصی دارد، حق ندارد از امکانات دولتی استفاده کند. من الآن اعلام می کنم و قبلاً هم نوشتم و این را گفتم، آن وقتی که آقایان امکانات شخصی دارند، حق ندارند از امکانات دولتی استفاده کنند؛ اگر ماشین دارید آن را سوار شوید و به وزارتخانه و محل کارتان بیایید، ماشین دولتی یعنی چه!»^۱

«والله اگر من از طرف مردم مورد ملامت قرار نمی گرفتم که مرتب ملاحظه جهات امنیتی را توصیه می کنند، بنده با ماشین پیکان بیرون می آمدم.»^۲

ساده زیستی مسئولان

«این فرهنگ غلطی است که هر کس در مسئولیت های دولتی به مقام و مسئولیتی رسید، باید فلان طور وسیله رفت و آمد، یا فلان طور امکانات زندگی داشته باشد. فرض بفرمایید اگر از لحاظ کیفیت آرایش محل زندگی و محل کار، کیفیت زندگی در درون خانواده، چگونگی ازدواج فرزندان، مهریه ها، جهیزیه ها و از این قبیل چیزها، وقتی به وسیله یک نفر در سطح عالی و در میان صاحبان مناصب حکومت اسلامی، به شکل غیر اسلامی آن، به معنای مصرفانه انجام بگیرد، این می شود فرهنگ، بقیه نگاه می کنند و یاد می گیرند، مهریه ها بالا می رود، ازدواج ها مشکل می شود، زندگی سخت می شود و همین رفتار به تدریج

آثارش در طول مدتی کوتاه یا بلند در متن جامعه منعکس می شود.»^۱

«آن انعکاس تجمل شما در زندگی مردم است، بعضی ها از این غفلت می کنند، وقتی شما جلوی چشم مردم وضع اتاق و دفتر و محیط کار و محیط زندگی را آنچنان می کنید، این یک درس عملی است و هر کسی این را می بیند بر او اثر می گذارد، حداقل این را باید رعایت کرد، کار خود را خدمت و وسیله تقرب الی الله بدانید و برای خدا کار کنید، هر چه می توانید از ضعف کارهای خودتان کم کنید، هر چه می توانید احساسات و خواست شخصی را در محیط کار دخالت ندهید.»^۲

بخش اول

بایست‌ها و آسیب‌های اخلاقی مدیریت و کارمندی

بایستی اخلاقی مدیریت و کارمندی

۱. توجه به ارزش خدمتگزاری

قال رسول الله ﷺ:

مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَكَأَنَّمَا عَبْدُ اللَّهِ تِسْعَةَ آلَافِ سَنَةٍ صَائِمًا قَهَّارًا، قَاتِمًا لَيْلَهُ.^۱

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: کسی که در برآوردن حاجت برادر مؤمنش تلاش نماید، مانند کسی است که نه هزار سال خدا را عبادت کرده، در حالی که روزها روزه و شبها مشغول عبادت بوده است.

قرآن کریم در مورد پیامبر اکرم ﷺ می فرماید:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾.^۲

«رسولی از خودتان به سوی شما آمد که رنج‌های شما بر او سخت است و بر هدایت شما اصرار دارد و نسبت به مؤمنان بسیار مهربان است.»

در روایات مشهور وارد شده که انسان‌ها عائله خداوند هستند، کسی که به عائله خداوند خدمت کند، به خداوند خدمت کرده است. مدیر نمی‌تواند خدمتگزار باشد، مگر این که خود را در محضر خدای متعال ببیند و خود را مسئول پاسخگویی به مردم بداند، زیرا مدیریت از حقوق مردم است نه از حقوق شخصی. کلمات آن پیر خدمتگزار چقدر زیباست و چگونه خود را حاضر در محضر حق می‌داند، آن جا که می‌فرماید:

«وظیفه ما و همه دست‌اندرکاران است که به این مردم خدمت کنیم و در غم و شادی و مشکلات آنان شریک باشیم. گمان نمی‌کنم عبادتی بالاتر از خدمت به محرومین وجود داشته باشد»^۱

«ما نباید در ادای وظیفه منتظر نتیجه قطعیه باشیم. اگر در محضر مقدس حق تعالی عامل به وظیفه معرفی شویم، همین نتیجه است».^۲
باز می‌فرماید:

«باید تمام اموری که انجام می‌دهید متوجه باشید که در محضر خداست و مسئولیت دارید. مسئولیت اینجا هم دارند لکن آن مهمش مسئولیت الهی است. - یا فرض بفهمائید - که هر یک از این ادارات دولتی که هست، می‌خواهند خدمت کنند به مردم ...، از آن کسی که دم در هست، پیش خدمت هست، تا آنجایی که جای رئیس هست، باید توجه داشته باشند که همه خدمتگزار این مردم هستند، همه اجیر این مردم هستند، اجرت از اینها دارند می‌گیرند، برای خدمت و باید با مردم رفتارشان انسانی، اسلامی باشد.»^۳

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۴۲.

۲. صحیفه نور، بیست و نهم اسفند ۱۳۴۷، خطاب به آقای سید محمد رضا سعیدی (نجف).

۳. همان، ج ۱۶، ص ۴۱۲.

۱. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۵، روایت ۷۲.

۲. سوره توبه، آیه ۱۲۸.

«شما هیچ توقّعی ندارید، شما همان خدمتگزار برای اسلام بودید، حالا هم هستید. هیچ کدام توقّع ندارید به اینکه چه بشوید و چه بشوید. خدمت را شما کردید و بعد هم شما می‌کنید.»^۱

«خدمتگزار حق باشیم، هرچه نعمت خدا به ما داده است در خدمت او صرف کنیم.»^۲

ارزش خدمتگزاری در اسلام تا آن اندازه است که مقام معظم رهبری اعتبار و آبروی خدمتگزار را به خاطر خدمتگزاری به مردم می‌داند و می‌فرماید:

«در نظام اسلامی، ما مسئولان خدمتگزار و نوکر مردم هستیم و اعتبار و آبروی خود را از خدمتگزاری به مردم کسب می‌کنیم.»^۳

پس مدیری دردبخور مردم است که قدر و ارزش مدیریت را بداند. انسان‌ها سرمایه‌های اصلی سازمان‌ها در دنیا هستند، بهترین مدیران، کسانی هستند که به بهترین وجه آنان را بسیج نموده و در جهت اهداف خود بکار بگیرند.

۲. اعتقاد به «ولی نعمت بودن مردم»

مقام معظم رهبری حفظه‌الله:

«تمام کسانی که در دستگاه‌های دولتی به کار اشتغال دارند، چه در سطح مدیریت‌ها و چه در سطح کارشناسان و یا کارمندان عادی دولت، اجیر دولت محسوب می‌شوند و دولت نیز از بودجه عمومی که متعلّق به عموم مردم است اجرت آنان را پرداخت می‌کند و در حقیقت تمامی آنها

اجیران مردم به شمار می‌روند و چنین کسی باید تمام همّت و تلاشش مصروف به کسب رضایت کسی که او را به اجاره گرفته است باشد و زشت است که نسبت به او فخر فروشی و تندخویی کند و باید در همان حال خود را خدمت‌گزار مردم بداند، «در روایات وارد شده که والی و حاکم اسلامی در همه سطوح (وزیر، استاندار، بالاتر و پایین‌تر، همه، مشمولان این جمله هستند) با مردم باید مثل پدر مهربان نسبت به فرزندان باشد. اگر به شما خبر برسد که فرزندان از بیماری سرما، گرما، گرسنگی، تحقیر، اهانت و غربت، رنج می‌کشند، چه حالی پیدا می‌کنید؟ می‌توانید تحمّل کنید؟ در سطح کشور نسبت به هر کس چنین اتّفاقی بیفتد، تا آن‌جا که شما علم و اطلاع دارید، باید همین احساس را داشته باشید، نباید آرام و قرار داشته باشید. نهضت خدمت رسانی یعنی این.»^۱

شهید رجایی می‌گویند:

«من مسئول هستم که نامه‌های مردم را بخوانم و جواب دهم زیرا

امید آنها به نامه‌هایشان است.»

تا مدیری مردم را دوست نداشته باشد نمی‌تواند به آنان خدمت کند، به همین دلیل خدمت کردن شوق می‌خواهد و این عشق است که تحمّل سختی‌ها را آسان می‌کند.

امام خمینی علیه السلام:

«شمایی که می‌خواهید خدمت به این مردم بکنید و دولت که می‌خواهد خدمت به این مردم بکند رئیس جمهور و امثال اینها که می‌خواهند خدمت به این مردم بکنند، توجّه بکنند که خدمتگزارند. در

۱. همان، ج ۷، ص ۳۳۳.
۲. همان، ج ۱۳، ص ۳۵۴.
۳. مجله مبلغان، شماره ۵۲، ص ۲، فروردین ۱۳۸۳.

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۸۲/۵/۲۰، ش ۶۹۸۳.

دل خودشان این مطلب را ایمان بیاورند به آن که، ما خدمت می‌خواهیم به این مردم بکنیم... الآن هم اینهایی که جانشان را دستشان گرفتند و شما را حفاظت می‌کنند و آنهایی که در بین شهرها و در بین روستاها، حفظ می‌کنند شما و مردم را، همین طبقه هستند. این طبقه‌اند که به ما الآن منت دارند و از اول منت داشتند. همین‌ها بودند که هیچ توقعی هم ندارند و هیچ وقت هم نمی‌آیند توقع کنند. شما باید توجه به این معنا بکنید که ما را اینها آورده‌اند و وکیل کرده‌اند، آورده‌اند و وزیر کرده‌اند، رئیس جمهور کرده‌اند؛ اینها ولی نعمت ما هستند و ما باید ولی نعمت خودمان را قدردانی کنیم و خدمت کنیم.»^۱

۳. توفیق خدمتگزاری، نعمت الهی

امام حسین علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، فَلَا اْتَمَلُّوا النِّعَمَ؛^۲

نیازهای مردم به شما از نعمت‌های الهی برای شما است، پس، از این نعمت‌ها خسته و ملول نشوید.

امام علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر می‌فرماید:

«از خدا بترس! از خدا بترس! به خاطر زیردستان کم درآمدی که هیچ چاره‌ای برای تأمین زندگی ندارند، چه بیچارگان و چه دردمندان و زمین‌گیر شدگان، زیرا این طبقه هم قناعت دارند و هم نیازمند هستند. برای رضای خدا، آنچه خدا از حق خود درباره آنان به تو فرمان داده بجای آور و سهمی از بیت‌المال را که در اختیار تو هست، برای مصرف

۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۳.

۲. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۸، روایت ۸۰.

آنان منظور دار و بخشی از درآمد غلاتی را که از سرزمین‌های اسلامی جمع‌آوری می‌شود، برای فرودستان و بیچارگان هر منطقه قرار داده زیرا آن فقیر و ناتوانی که در دورترین نقطه زندگی می‌کند، همان حقی را دارد که نزدیکترین آنان دارد؛ و تو مسئولیت رعایت حقوق هر یک از آنان را بر عهده گرفته‌ای.»^۱

در روایت وارد است:

هَدِيَّةُ اللَّهِ لِلْمُؤْمِنِ السَّائِلِ عَلَى بَابِهِ؛^۲

هدیه خدا به مؤمن آن است که شخص سائلی به در خانه او آید.

امام باقر علیه السلام:

لَوْ يَعْلَمُ السَّائِلُ مَا فِي الْمَسْأَلَةِ مَا سَأَلَ أَحَدًا أَحَدًا وَلَوْ يَعْلَمُ الْمُعْطَى مَا

فِي الْعَطِيَّةِ مَا رَدَّ أَحَدًا أَحَدًا.^۳

اگر درخواست‌کننده می‌دانست در تقاضا، چه ذلت و خواری هست، هرگز کسی از دیگری درخواست نمی‌کرد، و اگر عطاکننده می‌دانست چه ثوابی در انتظار اوست تقاضای کسی را رد نمی‌کرد.

امام کاظم علیه السلام فرمود:

مَنْ آتَاهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ فِي حَاجَةٍ فَاتَّمَا هِيَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ سَاقَهَا اللَّهُ فَإِنَّ

فَعَلَ ذَلِكَ وَصَلَهُ بِوَلَايَتِنَا وَهِيَ مَوْصُولَةٌ بِوَلَايَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.^۴

وقتی برادر مؤمنی نیاز خود را به مؤمنی عرضه می‌کند، این عرضه نعمتی است از جانب خداوند که به سوی او فرستاده شده است، پس اگر مؤمن نیاز او را برطرف نماید، این کار، او را به ولایت ما می‌رساند و او به ولایت خدا متصل می‌شود.

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲. جامع‌الآخبار، فصل ۴۱، حدیث ۲۴.

۳. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۳.

۴. نورالتقلین، ج ۵، ص ۵۸۹، حدیث ۳۰.

و باز در روایتی از امام صادق علیه السلام وارد است که:

«بر آوردن حاجت مؤمن فضیلتش بیشتر از هزار بار حجی است که تمام مناسک آن قبول شده باشد و آزاد کردن یک بنده در راه خدا و مصرف بار هزار اسب در راه خدا به همراه زین و لجام آن.»^۱
امام خمینی علیه السلام یکی از دعاهایی که بارها تکرار می‌کردند این بود که توفیق خدمتگزاری را از خدا طلب می‌کردند.

«خداوندا! زیان ما را از لغو نگهدار، دل‌های ما را به خودت متوجه بفرما، ما را از غیر خودت منصرف بفرما، اخلاق نیک را در ما پابرجا کن، ما را در پناه امیرالمؤمنین علیه السلام از هر بدی نگهدار، ما را نسبت به اسلام و مسلمین خدمتگزار قرار بده.»^۲

۴. مردم را از خودی دانستن و در خدمتگزاری به آنان شتاب کردن

اشخاص، در برابر مسائلی که به آنان رجوع می‌دهند سه نوع واکنش نشان می‌دهند: مسائل را قبول نمی‌کنند (وجود آن را انکار می‌کنند)، قبول می‌کنند و آنها را تحمل می‌کنند، قبول می‌کنند و سعی می‌کنند که آن را حل نمایند. مدیران خدمتگزار از گروه سوم هستند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«نیازمندی که به من مراجعه می‌کند من زود نیاز او را برطرف می‌کنم؛ از ترس اینکه او بی‌نیاز شود و این کار نیک از دستم برود.»^۳

قال الصادق علیه السلام:

مَا آمَنَ بِاللَّهِ وَلَا بِمُحَمَّدٍ وَلَا بِعَلِيِّ مَنْ إِذَا آتَاهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ فِي حَاجَةٍ لَمْ يَضْحَكْ فِي وَجْهِهِ، فَإِنْ كَانَتْ حَاجَتُهُ عِنْدَهُ سَارَعَ إِلَى قَضَائِهَا وَإِنْ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ تَكَلَّفَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِهِ حَتَّى يَبْضِيهَا لَهُ، فَإِذَا كَانَ بِخِلَافِ مَا وَصَفْتُهُ فَلَا وَلا يَتَّيَّنَا وَبَيْنَهُ؛^۱

به خدا و محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام ایمان نیاورده است، کسی که هنگام نیاز برادر مؤمنش با خوشرویی با او برخورد نکند؛ اگر توان دارد احتیاج او را شخصاً برطرف نماید، و اگر قادر نیست با کمک دیگری مشکل او را حل کند اگر نسبت به تقاضای برادر مؤمن بی‌تفاوت باشد و به درخواست او عمل نکند، پس بین ما و او ولایتی نخواهد بود.

امام خمینی علیه السلام:

«وقتی با مردم به محبت رفتار کنید، مردم را از خودتان بدانید، ما (باید) خدمتگزار همه باشیم، دولت خدمتگزار همه باشد. این وجدان، خودش راحت هست، خدمتش هم خدمت به مردم است.»^۲
امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند: «رواساختن حاجت جز با سه چیز راست نیاید (کامل نشود): ۱. کوچک شمردن آن تا (نزد پروردگار) بزرگ نماید؛ ۲. پوشیدن آن تا (هنگام پاداش) آشکار گردد؛ ۳. شتاب کردن در آن تا (برای خواهنده) گوارا شود»^۳

اگر مدیری یا کارمندی مردم را دوست نداشته باشد و آنان را از خود، مانند یک خانواده نداند، نمی‌تواند به آنان خدمت نماید، زیرا خدمتگزاری فقط با محبت و عشق به مردم شیرین می‌شود. اگر این

۱. همان، ج ۷۳، ص ۲۸۵.

۲. بیست و سوم، آبان ۱۳۴۴ - (دوم رجب ۱۳۸۵)، مسجد شیخ انصاری، در جمع طلاب حوزه نجف؛

صحیفه نور، ج ۲، ص ۲۹ آغاز درس حوزه علمیه.

۳. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۷، روایت ۷۶.

۱. همان، ج ۷۵، ص ۱۷۶.

۲. صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۳۷.

۳. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۲.

خصوصیات را نداشته باشد نمی تواند خدمتگزار باشد و برای خود در محضر خدای متعال شرمندگی بوجود می آورد. بحمدالله امروزه مدیران و کارمندان جمهوری اسلامی با شوق و عشق وافر مشغول خدمتگزاری به مردم و آبادانی کشور هستند خداوند همه را تأیید فرماید.

۵. مقام بالاتر، خدمتگزاری بیشتر

قرآن کریم در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾^۱

«رسولی از خودتان به سوی شما آمد که رنج‌های شما بر او سخت است و بر هدایت شما اصرار دارد و نسبت به مؤمنان بسیار مهربان است.»

امام خمینی علیه السلام می فرماید:

«گمان نکنید که شما صاحب مقام و منصب هستید باید به مردم فشار بیاورید، هرچه صاحب منصب ارشد باشد باید بیشتر خدمتگزار باشد مردم بفهمند که هرچه درجه او بالا می رود با مردم متواضعتر می شود.»^۲

پیست و مقام از اموری است که اگر تقوای بالایی در صاحب آن وجود نداشته باشد، هم موجب سقوط صاحب مقام می شود و هم موجب ظلم به بندگان خدا، به همین دلیل ریشه ظلم به خود و دیگران در اثر عدم تهذیب نفس و از طرفی وجود قدرت در اختیار نفس اماره است. در روایات، دشمن ترین دشمنان را برای انسان، جهل انسان به

۱. سوره توبه، آیه ۱۲۸.

۲. صحیفه نور، ج ۷، ص ۵۱۱.

خودش دانسته است.^۱ برای جلوگیری از طغیان نفس اماره که منصب و مقام و قدرت را در اختیار دارد، ذلیل کردن نفس اماره، اولین گام است. امام خمینی علیه السلام جملات رسا و زیبایی نسبت به خود دارد:

«شما احتمال این را بدهید که اگر به من بگویید خدمتگزار، بهتر از این است که بگویید رهبر، رهبری مطرح نیست، خدمتگزاری مطرح است. اسلام ما را موظف کرده که خدمت بکنیم.»^۲

۶. مقدم داشتن دیگران بر خود

مدیر خدمتگزار، مردم را بیش از مقام خود دوست دارد، لذا در موقع لازم مقام را فدای مردم می کند، زیرا ارزش باغ را به گل های آن می داند. محدث نوری علیه السلام:

«اما در بین فرائض و سنن، کمتر عملی داریم که در فضیلت و ثواب به زیارت امام حسین علیه السلام برسد، با وجود این مسأله، در اخبار دیده ام که ثواب برآوردن حاجت مؤمن، برتر از ثواب زیارت حضرت سیدالشهداء علیه السلام است.»^۳

نخستین علامت خدمتگزاری این است که اول به دیگران فکر کند بعد به خود، حتی بالاتر اینکه، خدمتگزار باید از نیاز هموعان خود آگاه باشد و خود را در دسترس آنها قرار دهد تا آنان بتوانند نیازهایشان را از او طلب کنند.

قال علی علیه السلام:

وَلَوْ شِئْتُ لَأَهْتَدَيْتُ الطَّرِيقَ إِلَى مُصَفَّى هَذَا الْعَسَلِ وَبُئَابِ هَذَا الْقَمْحِ
وَتَسَائِحِ هَذَا الْقَرْوِ، وَلَكِنْ هَيْهَاتَ أَنْ يُغْلِبَنِي هَوَايَ وَ يَغُودَنِي جَشَعِي

۱.

۲. صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۳۲.

۳. مجله حوزه، ش ۷، سال دوم، ص ۸۲.

إِلَى تَخْيِيرِ الْأَطْعِمَةِ وَ لَعَلَّ بِالْحِجَازِ أَوْ الْيَمَامَةِ مَنْ لَا طَمَعَ لَهُ فِي
الْأَرْضِ وَلَا عَهْدَ لَهُ بِالشَّيْبِ ...^۱!

اگر می‌خواستیم، به آسانی به عسل صاف و مغز گندم و یافته‌های
ابریسمی دست می‌یافتیم؛ ولی هیبهات که هوای نفس بتواند بر من
غلبه کند و حرص شدید مرا به تهیه بهترین خوراکی‌ها بکشاند؛ در
حالی که شاید در سرزمین پهناور حجاز و یمامه کسی باشد که امیدی
به پیدا کردن قرص نانی داشته باشد و یا هرگز شکمی از غذا سیر
نخورده باشد؛ آیا من با شکم پر شب را به صبح برانم در حالی که
پیرامونم شکم‌هایی از گرسنگی به پشت چسبیده و جگرهایی سوخته
وجود داشته باشد... آیا من درباره‌ی خویشتن به همین بسنده کنم که
امیر مؤمنانم بنامند بی‌آنکه در ناگواری‌های روزگار با مردم شریک
باشم! و در سختی‌های زندگی، اسوه‌ی آنان نباشم؟

نخستین نشانه خدمتگزاری این است که به دیگران فکر کند، آنان را
مثل خود دوست بدارد و آنان را مثل خود تحمل کند، نیاز آنان را
تشخیص داده و خود را در اختیار آنان قرار دهد. خدمت به دیگران را
از روی ناچاری انجام ندهد یا بگذارد در زمان بحران خدمت کند، انگیزه
خدمت را در دل و جان خود بپرورد و فرصت را مغتنم شمارد و بدون
هیچ انتظاری خدمت کند.

۷. خودسازی و خدمت به مردم

مقدس اردبیلی رحمته علیه:

«برطرف کردن حاجت مؤمن بدون تردید از بجا آوردن نماز نافله
برتر است، حتی از انجام طواف مستحب خانه خدا بالاتر است، زیرا در

۱. نهج البلاغه فیض، نامه ۴۵، ص ۹۷۰.

احادیث آمده: خدمت‌رسانی به مؤمنان از عبادت هفتاد سال برتر است.^۱
امام خمینی رحمته علیه در این زمینه می‌فرماید:

«مجهز کنید خودتان را برای تحمل ناملايمات و سختی‌ها در راه
خدای متعال، ممکن است خدای نخواستہ روزهای سختی پیش آید که
اگر هم اکنون خود را مهیا نکنید، تحملش بسیار سخت و ناگوار باشد.
کوشش کنید حب دنیا و شهرت و جاه را سرکوب کنید که این خطر در
ایام پیری، بزرگترین مصائب است.»^۲

«اگر بخواهید خدمتگزار اسلام باشید، خدمتگزار ملت اسلامی
باشید و اسیر در دست ابرقدرت‌ها و آنها که پیوند با ابرقدرت‌ها دارند
نباشید، باید دانشگاه و فیضیه و همه آنها که مربوط به دانشگاه‌اند و همه
آنها که مربوط به فیضیه هستند، در رأس برنامه‌های تحصیلی‌شان برنامه
اخلاقی و برنامه‌های تهذیبی باشد، تا امثال مرحوم مطهری رحمته علیه را به جامعه
تقدیم کند، و اگر خدای نخواستہ بر خلاف باشد، آن وقت افراد مقابل
این افراد را به جامعه می‌فرستد و اینها جامعه را به فساد می‌کشند و مردم
را به اسارت.»^۳

۸. خوشرفتاری با مردم

قال علی رحمته علیه:

وَ اشْعُرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللُّطْفَ بِهِمْ وَ لَا تَكُونَنَّ
عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارًّا يَأْتِغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أُخْ لَكَ فِي الدِّينِ وَ
إِمَّا نَظِيرُ لَكَ فِي الْخَلْقِ.^۴

۱. مجمع‌الفوائد و البرهان، ج ۲، ص ۹۶۵.

۲. در جواب نامه آقای محمد حسین بهجتی (نجف)، نرم‌افزار صحیفه امام رحمته علیه.

۳. صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۶۹. ۴. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

ای مالک؛ قلبت را مملو از رحمت، محبت و لطف به مردم نما، مبدا نسبت به آنان چون حیوان درنده باشی که خوردنشان را غنیمت بشماری؛ چراکه آنان دو دسته‌اند یا برادر دینی تو هستند و یا در آفرینش مانند تو هستند.

امام خمینی علیه السلام:

«مبادا یک وقتی در ضمن اینکه شما خدمت می‌کنید، یک درشتی‌ای باشد که خدمت شما را در خودش محو کند، باید اخلاق اسلامی، آداب اسلامی درست مراعات شود، همان طوری که شیوه‌نامه ما و اولیای خدا و انبیای خدا بوده است که خودشان را خدمتگزار مردم می‌دیدند و با حسن معاشرت و با رفتار انسانی، با رفتار الهی، رفتار می‌کردند و کارهایی را که باید انجام بدهند، با همین حسن رفتار انجام می‌دهند و شما هم بندگان همان خدا و امت همان پیغمبر و شیعه همان امیرالمؤمنین هستید و شیوه‌های شما باید همانطور باشد.»^۱

مقام معظم رهبری حفظه‌الله:

«مسئولان با رفتار احترام‌آمیز با مردم و خدمت به آنها فضای شوق‌انگیزی را برای برگزاری انتخابات پر شور آماده کنند.»^۲

۹. بهترین موقعیت خدمتگزاری

بهترین زمان خدمتگزاری از جهت خدمتگزار، ایام جوانی است، زیرا قدرت انجام کار و نشاط بالاست، همچنین ساده‌تر و با زحمت کمتری مقدمات خدمتگزاری که همان تهذیب نفس است حاصل می‌شود.

۱. صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۷۹.
۲. مورخ، ۸۲/۸/۱۱.

از جهت خدمت‌شوندگان، زمان نیازمندی آنها، و از جهت نیاز، مهمترین آنها است.

جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام: إِنَّهُ يُعْرَضُ لِي صَاحِبُ الْحَاجَةِ فَأَبَادُرُ إِلَى فَضَائِهَا مَخَافَةً أَنْ يَسْتَعْنِي عَنْهَا صَاحِبُهَا.^۱

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

نیازمندی که به من مراجعه می‌کند من زود نیاز او را برطرف می‌کنم از ترس اینکه او بی‌نیاز شود و این کار نیک از دستم برود.

امام خمینی علیه السلام می‌فرماید:

«چند روزی از عمر من باقی نیست... شما آقایان که نعمت جوانی را واجد هستید چیزی نمی‌گذرد که به پیری خواهید رسید، نگذارید جوانی از دست برود و کوشش کنید در خدمت به خالق و خلق و جلب رضای مولا - جلت قدرته - در جوانی تهذیب نفس بسیار اسهل است و از ایام پیری و ضعف که قدرت از دست می‌رود و ریشه اخلاق فاسده، که اصلش از حب دنیا و نفس است، استحکام پیدا می‌کند، تصفیه و تهذیب بسیار مشکل می‌شود.»^۲

اگر این نفس ستمگر بگذارد که انسان لذت خدمتگزاری را بچشد از خدمتگزاری کوتاهی نمی‌کند، چون تزکیه نیست از این لذت دور است.

۱. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۷، روایت ۷۶.

۲. در جواب نامه آقای محمد حسین بهجتی (نجف)، نرم‌افزار صحیفه امام علیه السلام.

اگر مدیری بداند نتیجه خدمات او خشنودی خدای متعال است و این خشنودی چه اثراتی دارد، در گرفتاری‌های مردم سخت متأثر شده و در انجام خدمت به آنان کمال آرامش را پیدا می‌کند. امام خمینی علیه السلام با توجه به ارزش خدمتگزاری به مردم در دین مقدس اسلام، فدا شدن در این راه را سزاوار می‌داند و می‌فرماید:

«اینجانب از اوضاع یاران عموماً و از وضع حوزه قم خصوصاً متألم و متأثرم و از گرفتاری فضلاء و اعلام، ناراحت؛ ولی آنچه موجب تسکین خاطر است آن است که در راه خدمت به دیانت، هر گرفتاری پیش آید مطلوب است، و ما آنچه داریم از برکت اسلام است و هر چه فدا کنیم عمل به وظیفه نکرده‌ایم.»^۱

۲. برخورداری از پشتیبانی و قدرت مردم

امام خمینی علیه السلام:

«دولت‌ها اگر چنانچه با مردم تفاهم کنند و خدمتگزار مردم باشند، مردم پشتیبان آنها هستند و شکست برای آنها دیگر نیست.»^۲ باز می‌فرماید:

«اگر ملت و دولت هر دو با هم باشند، دوست باشند، اینها خودشان را خدمتگزار آنها بدانند، آنها خودشان را پشتیبان اینها بدانند، هر دو به هم خدمت بخواهند بکنند، یک همچون ملت و دولتی هیچ وقت شکست نخواهد خورد.»^۳

۱. در نامه‌ای خطاب به آقای محمد علی گرامی، ۱۶ بهمن ۱۳۴۵.

۲. صحیفه نور، ج ۹، ص ۴۲.

۳. همان، ص ۱۴۵.

۲۲

توجیه نتایج خدمتگزاری

باید در خیر رساندن به برادران خود با یکدیگر مسابقه گذاشت. در این صورت است که فرشتگان آسمان برای او نزد پروردگارش استغفار و دعا کنند تا حاجات او برآورده شود؛ با این عمل خدا و پیامبرش را شاد کرده است. یک نفر مدیر یا کارمند، چنانچه به نتیجه خدمتش فکر کند و بداند که چه ثواب و پاداش اخروی در انتظار اوست، لحظه‌ای از خدمت به خلق خدا خسته نشده و همواره در پی تلاش بیشتر خواهد بود. برخی از ثمرات خدمت به خلق خدا عبارتند از:

۱. رضایت خدا

امام خمینی علیه السلام در این مورد می‌فرماید:

«ما نباید در ادای وظیفه منتظر نتیجه قطعی باشیم. اگر در محضر مقدس حق تعالی عامل به وظیفه معرفی شویم، همین نتیجه است.»^۱

۱. صحیفه نور؛ بیست و نهم اسفند ۱۳۴۷، خطاب به آقای سید محمد رضا سعیدی (نجف).

«در خیر رساندن به برادران خود با یکدیگر مسابقه گذارید و اهل خدمت رسانی باشید، زیرا در بهشت دری است بنام «معروف»، از آن نمی‌گذرد مگر کسی که در زندگی اهل خیر و نیکی باشد. پس خداوند، دو فرشته از راست و چپ بر او می‌گمارد تا برای او نزد پروردگارش استغفار و دعا کنند تا حاجات او برآورده شود. سپس فرمود: به خدا قسم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از خود صاحب حاجت بیشتر خوشحال می‌شود، وقتی مؤمن به حاجتش برسد.»^۱

امام خمینی علیه السلام:

«وقتی با مردم خوبی کردید، محبت کردید، خدمتگزار به مردم بودید، وقتی که بروید شب منزل، آرامش برای قلبتان هست، وجدانتان ناراحت نیست.»^۲

با توجه به مطالب فوق این نکته روشن می‌شود که مدیر اگر خدمتگزار شد، با نگاهی به آنچه از عمر گذرانده است، دلی آرام دارد و نگرانی او تنها این است که ای کاش خدمت بیشتر ارائه می‌داد تا بیشتر رضای خدای متعال را جلب می‌کرد، حال اگر نقطه مقابل آن را مشاهده کرد، یعنی عدم خدمت بلکه کوتاهی و خدای نا کرده خیانت، چه حالی به او دست می‌دهد؟ اضطراب شدید سراسر وجود او را می‌گیرد که فرصت را از دست داده و باید پاسخگو باشد. پس حکم عقل بر این است که تا فرصت باقی است مانند خدمت به فرزندان خود، به مردم خدمت کند و

آنها را مانند اولاد خود دوست بدارد، و کسی که اینگونه شد همیشه خود را به مردم بدهکار می‌داند و سعی در انجام وظیفه می‌نماید.

برخی از مصادیق خدمتگزاری

خدمتگزاری در هر جا و هر زمان ممکن است، پس مصادیق خدمتگزاری محدود نیستند، مهمترین آنها آن است که برای انسان ممکن است انجام دهد و اولویت بندی کند.

از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسیده شد:

أَيُّ النَّاسِ أَحَبُّ إِلَيْكُمْ؟ قَالَ: أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ. قِيلَ: فَأَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: إِدْخَالُكَ الشُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ قِيلَ: وَمَا سُرُورُ الْمُؤْمِنِ؟ قَالَ: إِشْبَاعُ جُوعَتِهِ وَتَنْفِيسُ كُرْبَتِهِ وَقَضَاءُ دَيْنِهِ وَمَنْ مَشَى مَعَ أَحِيهِ فِي حَاجَةٍ كَانَ كَصِيَامِ شَهْرٍ وَاعْتِكَافٍ وَمَنْ مَشَى مَعَ مَظْلُومٍ يُعِينُهُ تَبَتَّ اللَّهُ قَدَمَيْهِ يَوْمَ تَزُلُّ الْأَقْدَامُ.^۱

چه کسی نزد شما از همه محبوبتر است؟ حضرت فرمودند: سودمندترین مردم برای دیگران. پرسیده شد: کدام یک از اعمال برتر است؟ فرمودند: خوشحال کردن مؤمن. پرسیده شد: خوشحال کردن مؤمن چگونه است؟ فرمودند: سیر کردن شکم او و برآوردن حاجتش و ادا نمودن قرض‌های او، هر کس در بجا آوردن حاجت برادر مؤمنش قدمی بردارد، گویا یک ماه روزه گرفته و معتکف شده و هر کس در جهت یاری مظلومی قدم بردارد، خداوند قدم‌هایش را در روزی که قدم‌ها لرزاند، استوار می‌گرداند.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۷۸، حدیث ۶.

۲. صحیفه نور، ج ۶، ص ۴۴۳.

۱. عوالمی اللئالی، ج ۱، ص ۳۷۷.

گاهی خدمتگزاری دچار آسیب می‌شود و به زمینه‌های تباهی تبدیل می‌شود. این آسیب‌ها عبارتند از:

۱. عدم مطابقت گفتار با عملکرد

عدم مطابقت گفتار با عمل به‌خاطر برخی رذائل اخلاقی است و آن در نفس مدیر یا کارمندی ریشه زده است که در جهت تهذیب نفس قدمی برنداشته است. می‌بایست قبل از قبول مسئولیت آنها را از نفس خود دور می‌کرد، ولی موفق نشده و الآن تیغ به دست زنگی مست داده و اعمال او نتیجه تأثیرات آن ملکات فاسده است. به همین دلیل تا تهذیب صورت نگرفته باشد قبول مسئولیت خطرناک و مفسده‌آور است. پس تزکیه مقدم بر تعلیم و قبول مسئولیت است. تزکیه مسئولیت و علم را هدایت می‌کند تا در مسیر صحیح خود قرار گیرد.

امام خمینی علیه السلام:

«اینها نمی‌دانم چه جور مردمی هستند؟ خودشان را به اسم خدمتگزار جا می‌زنند لکن دائماً بر خلاف مسیر، قدم برمی‌دارند و قدم‌هایشان بر خلاف مسیر ملت است، کارشکنی می‌کنند، مردم را به یأس می‌کشانند.»^۱

۲. تکروری در مصلحت‌اندیشی

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

فَلَا تَكْفُرُوا عَنْ مَقَالَةٍ بِحَقِّ أَوْ مَشَوْرَةٍ بِعَدْلِ، فَإِنِّي لَسْتُ فِي نَفْسِي بِفَوْقِ أَنْ أَخْطِيَّ، وَلَا أَمِنُ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِي إِلَّا يَكْفِيَّ اللَّهُ مِنْ نَفْسِي مَا هُوَ أَمْلَكُ بِهِ مِنِّي.^۲

:- ۳ -

آسیب‌های خدمتگزاری

یکی از مهمترین مسائل اجتماعی در زندگی یک مسلمان، وظیفه خدمت‌رسانی به برادران ایمانی است که به روش‌های مختلف در دین مورد تأکید قرار گرفته است و هدف از آن هم بخوبی در کلام امیر مؤمنان علیه السلام بیان شده است:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعَلَّمْتَ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَاقَسَةً فِي سُلْطَانٍ، وَلَا التَّمَّاسَ شَيْءٍ مِنْ فُضُولِ الحُطَّامِ وَ لَكِنَّ لِنَرْدِ المَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ، وَ تُظْهِرِ الإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنَ المَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تُقَامَ المُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ.^۱

خدایا، تو می‌دانی آنچه از ما صادر شد (اقدام به برقراری حکومت) به‌خاطر رغبت در حکومت یا به دست آوردن مال دنیا نیست، بلکه برای این است که نشانه‌های دین تو را بازگردانیم و اصلاح را در شهرهای آشکار سازیم تا بندگان ستم‌دیده‌ات امنیت یابند و مقررات فراموش شده‌ات، اجرا شود.